

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یکی از هواداران پورتال

۰۲ دسمبر ۲۰۱۲

## "مائویست" های نام نهاد "افغانستانی" را از صفوف جنبش

### چپ به مانند صفوف توده ها بیشتر از پیش بیرون بریزید!

امروز باز هم نوشته ای از به اصطلاح مائویست های افغانستان به دستم رسید که سند دیگری از خیانت و دناقت در طومار طویل تلاش های تخریبی این جمع بیگانه با افغانستان ، افغان و افغانیت می باشد. این یاهو سرایان بی هویت، از فرط بی هویتی حتا اسم بی مسمای "افغانستانی" را اختراع نموده اند و انتظار دارند تا فرد فرد باشند افغانستان به این "ابتکار پرنبوغ" این اقلیت ذره بینی آفرین و صدآفرین گفته و به "عمق" معنی این اختراع لفظی شان انگشت حیرت به دندان بگیرند. اما هدف نوشته من این وجه سکتارسیستی و وطنفروشانه "مائویست های افغانستان" نبوده بلکه حملات بی حد ردیالنه و غیرمسئولانه شان در قسمت بعضی از شخصیت های جنبش چپ افغانستان می باشد. من نه آرزوی درگیری در جروب بحث های بی انتهای این اجیران بیگانه را دارم و نه هم هر آنچه یاهو هر بار می سرایند مورد علاقه ام است. یگانه دلیلی که خواستم قلم بردارم این است که این جمع شاید پابند هیچ گونه قید و بندی نیستند و هرگاه قرار باشد بارزترین مشخصه شان را متذکر شویم ، همانا بی شرم و بی آرم بودن مفرط آنهاست؛ و من به عنوان یک فرد خوشبین به جنبش چپ راستین افغانستان و خط اصولی مارکسیست - لنینیست - اندیشه صدرمائو، وظیفه خود دانستم تا با حربه قلم به دهن این یاهو سرایان بگویم زیرا این ها با پروئی غیرقابل باورد رعین حالی که ادعای "سپه انقلابی" بودن را می نمایند ، به ارتجاعی ترین شکلی می خواهند "متاع" بی خریدار خود را بر هموطنان ما به "فروش" برسانند.

"مائویست" های خود ساخته و خودباخته "افغانستانی" از اول تا آخر نوشته سه فصلی خود ، از بحث اندیولوژیک گرفته تا خوشخدمتی به افراد ظاهراً مخالف اندیولوژیک شان و غیره و غیره فقط می خواهند آقای «موسوی» را مورد حمله قرار دهند و آنقدر در این تشبث بی حرمتی پیش می روند که شخصیت نیکنام و مبارز پرافتخار دیگری چون آقای شیر «آهنگر» را که با این دارة انجوباز حتا یک کلمه هم رد و بدل ننموده ، هتک حرمت نموده ، پاس ادب و احترام را فراموش می نمایند و هرچه به زبان شان می رسد، بیرون می ریزند. من سردفاع از آن دو هموطن باعزت و خوشنام را ندارم زیرا هر دو خوشبختانه در قید حیات اند و به بهترین وجه می توانند از خود دفاع نمایند ولی می

خواهم به "مائویست های افغانستانی" یادآور شوم که با تاختن بر شهید قیوم «رهبر»، این ها بدترین خیانت را باز هم مرتکب شده و نفرین توده های میلیونی سرزمین مارا به جان می خردند که مبارک شان باد! قیوم «رهبر» یکی از فرزانه ترین شخصیت های بی مثال سرزمین ما بود که خلاف چرندیات بی شرمانه ارادلی از قماش "مائویست های افغانستانی" که به "مزین بودن" به اندیشه پیشتاز عصر (مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه صدرمائو) مکارانه تظاهر نموده و احمقانه اکت و ادا درمی آورند، قیوم «رهبر» نه تنها از نگاه فکری و اندیولوژیک امتحان پختگی و استادی خود را به اثبات رسانده بود بلکه در حرکت و برخورد وی، آن طرز دید و طرز زیست متباز بود. آنچه مثل آفتاب روشن است و با دوانگشت بدریخت این خائنان به وطن و مردم به هیچوجه کتمان نمی شود، بعد شخصیتی شهید قیوم «رهبر» است که خلاف ادعای ردیالانه "مائویست های افغانستانی"، وی بر مقام علمی و امکانات زندگی مرفه در غرب پشت پا زده و با قبول بزرگ ترین خطرات، برای پیوستن به سنگرمبارزه، با توده ها در آمیخت و در شرایط مشقتبار جلاوطنی بیش از یک دهه را در تلاش شباروزی برای پیشبرد مبارزه ملی - مترقی و انقلابی مقاومت غیردینی افغانستان در مبارزه تمام عیار ب آسربرد و سرانجام در راه آرمان والای نجات توده های دربند، خون پاک خود را شاهد آزادی و آزادگی نمود؛ و امروز در بین توده ها به خواب ابدی و پراز افتخار ابدی رفته و این توده های مردم اند که بر مزار وی حاضر شده و اشک می ریزند و نبودش را به عزا می نشینند.

ولی شما جمع خزندگان مودی و طفیلی چسپیده بر پیکر جنبش چپ افغانستان، از یک شخصیت جانباز و انقلابی تان، از یک دستاورد مردمی تان همراه با توده ها و همسنگر با توده ها نام بگیری! این بسیار ساده و رایگان است که هر بار در پشت شخصیت مبارزو شهید گرانقدر ملت افغانستان - شهید اکرم یاری - پنهان شده و نام و مبارزه وی را به نفع خود مصادره نمائید. از خود بگوئید، از خود مثال زنده و چشمگیر بدهید...

«خرچ اگر از کیسه مهمان بود حاتم طائی شدن آسان بود».

"مائویست های افغانستانی" که به غیر از خودشان هیچ کس و هیچ جمعی را انقلابی نگفته و قسمی وانمود می کنند که گویا صلاحیت رد و تأیید همه جنبش های چپ افغانستان و دنیا را دارند، فقط چند بی سرو پای یاوه سرانی اند که موازی با زدوبند با اشغالگران قاتل صدها و هزارها هموطن ما، می خواهند با "انقلابی" نمائی و حمله از چپ و راست بر انقلابیون واقعی و راستین کشور ما، پرده ستر و اخفا بر خیانت و مزدوری انجونی خود افکنده و چند فرد انگشت نمای هم قماش خود را در گرو "انقلابی" نمائی ها و یاوه سرانی های خود نگه دارند.

حملات ناجوانمردانه "مائویست های افغانستانی" همچنان سازمان پرافتخار "ساما" (ادامه دهندگان) را آماج قرار می دهد و به زعم خود رهبران آن را هم شناسائی نموده اند و "الف" تا "ی" آن را هم می توانند نقد و تحلیل نمایند. با این مانور ها "مائویست های افغانستانی" فقط سند ابلهی خود را به دست می دهند. این ها همواره پدیده شوم تسلیم طلبی در "ساما"ی دهه هشتاد مسیحی را نشخواری نمایند و هیچ گاه شهامت آن را ندارند که اعتراف نمایند که "ساما" در همان زمان هم، به هیچ وجه آن مقطع پر خیانت و ضد ملی تاریخ خود را انکار نکرد بلکه با راه انداختن مصاف مرگ و زندگی، آن لکه ننگ را از دامان خود پاک نمود. "مائویست های افغانستانی" عمداً مقاطع مختلف تاریخ "ساما" و صدها حقایق مربوط به آن سازمان را وارونه ساخته گویا "افشاگری" می نمایند. در این زمره است سکوت بر مرکزیت مطرود و مردود "ساما" و در آمیختن آن با رهبری "ساما" (ادامه دهندگان) که از نگاه اندیولوژیک و سیاسی کاملاً در قطب مخالف و در تضاد آشتی ناپذیر با آن قرار دارد.

بیشتر لبه تیز "مائویست های افغانستانی" بر سازمان "ساما"ی زمان مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی است. به نظراین "انقلابی" های خیالی که همه مبارزه شان از آغاز تا حال فقط در درون جمجمه های بیمارشان صورت گرفته،

سازمان های چپی و به خصوص "ساما" بایست در مقاومت میهنی ضد سوسیال امپریالیستی، به شکل عریان و آشکار علم انقلاب کارگری را بلند نموده و برای "افتخار خاطر" جمعی بی سروپائی چون "مائویست های افغانستان" ، مبارزه سرخ را در شرایطی که رویونیست های خروشچی ، با تظاهر به انقلاب کارگری، بیشتر کارگر و دهقان را از دم تیغ می گذشتاندند، با عین شعارها و کلمات ، گویا "جنگ خلق" را راه می انداختند، بدون آن که ذهنیت توده ها را در نظری می گرفتند و یاهم کار روشنگری و تنویر در میان می بود.

ولی همین پرمدهاهای "انقلابی" نما موقعی که در تقابل شخصی با یک فرد (آقای «موسوی») قرار می گیرند، رادیکالیزم خشک و محتسب گونه خود را فراموش نموده و برای زدن حریف، به هر فرد و جمع ظاهراً مخالف خود چشمک می زنند: به داکتر رسول «رحیم» (در حالی که بارها او را به دلیل "تازه اندیش" بودن و گویا انتساب به "ساما" به صلیب انتقاد خود چارمیخ زده اند؛ به خلقی ها و پرچمی ها (حتا خود را در رویارویی خیالی با "ساما" به جای آنها قرارداد داده و از زبان آنها سخن می گویند) وحتا به اخوانی ها (و آنها را از نگاه اخلاقی نسبت محترم آقای «موسوی» برتر می دانند). این دیگر "ارتجاع ناب" است! "مائویست های افغانستان" از فرط اضافه روی، سند عمیقاً مرتجع بودن و کاسبکار بودن خود را به دست می دهند. بعد از این نوع چشمک زدن ها به "چپ" و راست، دیگر چه تزویر و عوامفریبی برای "مائویست های افغانستان" باقی مانده تا با آن ادای "انقلابی ناب" را در آورند؟ تاجائی که نوشته سه فصلی شان نشان می دهد ، این ها حاضرانند با هر فرد و هر جمعی کنار آیند و بر همه ادعاهای "انقلابی" نمای خود پا گذارند به شرطی که آن فرد یا جمع در جنگ این ها علیه آقای «موسوی» با آنها همنا شده و تیری به نوبه خود به جانب وی پرتاب نمایند. این خود بیچارگی و بی ماهیتی "مائویست های افغانستان" را به نمایش می گذارد.

"مائویست های افغانستان" به این همه بسنده ننموده و مانور دنائت پیشگی خود را حتا به درون هیأت رهبری پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» می برند و ضمن برخورد "محترمانه" و "مؤدبانه" که در سراسر نوشته خود به آن خیلی بدجور تظاهر می نمایند، به تاسی از اربابان امپریالیستی شان به زعم خود می خواهند تخم تفرقه و نفاق را بین متصدیان پورتال کشت نمایند، آنها در این تلاش مذبحانه چند نکته را فراموش می نمایند نخست آن که تا جائی که دیده شده پیوند بین آقای "موسوی" و سایر متصدیان و همکاران قلمی پورتال عمیقتر از آن است که در تخیل یک توطئه گر "افغانستانی" بگنجد و در ثانی، ماهیت تلاش آنها به خاطر ایجاد تفرقه بین پورتال، دست استعمار و ارتجاع را که خواهان نابودی پورتال اند در تمام توطئه آشکار ساخته، نیروهای متعهد به امر مبارزه آزادیخواهانه و عدالتجوی را هر بیشتر به طرف پورتال می کشاند. در واقع این تلاش مذبحانه همان سنگی می شود که مرتجعین با برداشتن آن در نهایت پای خود را با آن آسیب می رسانند.

داره خود ساخته و خود بافته "مائویست های افغانستان"! این را بدانید بعد از هرباری که شما "رفع تشنگی" نمائید، آب دریا بعد از چند ملاق دوباره پاک خواهد بود... و هیچ انزجار و اکراهی را نزد مردم ونه هم نزد آنانی که آماج کین و نفرت بیحد شما و بدگوئی شما قرار گرفته اند ، به بار نخواهد آورد. جا دارد که به شما پارچه شعری را که باری در پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» مطالعه نموده بودم ، به عنوان "تحفه" نثار نمایم؛ شعری که مخاطب آن اصلاً آیت الله های ایرانی است و شاعر مبارز ایرانی آن را سروده است. ولی از آنجائی که شما نظربه سابقه دینی - مذهبی تان و علائق مختلف سیاسی - جاسوسی تان من جمله به آن ها تعلق دارید؛ یا به عبارت دیگر طالبان "چپی" هستید ، موزون خواهد بود بگوئیم:

«کام همه گان باد روا کام شما نه!»

وبه همین ترتیب... تا آخر شعر

واین را هم فراموش ننمائید که هر قدر به شخصیت های نیکنام ، مبارز و چپی های راستین افغانستان توهین نموده به تخریب آنها بپردازید ، به همان اندازه نفرت و انزجار توده ها را نصیب خواهید شد زیرا شما هیچ گونه انطباق عینی و ذهنی با جامعه و درد های مردم ندارید و به یقین در صف دشمنان مردم قرار دارید. اگر چنین نیست ، پس بفرمائید چند فیصد حملات و افشاءگری های تان متوجه اشغالگران، دولت دست نشانده، اخوانی ها، طالبان و دیگر مرتجعین است؟ مسلماً که قریب به هیچ! .